

حرف حساب

هوش مصنوعی

خلاقیت را در سینما از بین نمی‌برد



علیرضا رنئیسین فیلمساز

هوش مصنوعی امکانات و پیشنهاد زیادی را به ما می‌دهد، ولی حق انتخاب را به خود ما می‌دهد، در نهایت کاربر انتخاب می‌کند که چه کاری انجام خواهد داد. خلاقیت و انسان را از بین نخواهد برد بلکه تغییر خواهد داد. کسانی که نتوانند خود را با این شرایط همراه و سازگار کنند، زندگی برای‌شان سخت خواهد شد.

صنعت سینمای آمریکا شبیه هیچ کشور دیگری نیست، در هالیوود و آمریکا سینما یک صنعت است و برخلاف باور عمومی، بخش‌های مختلف و افراد مختلف در این سینما و حتی کمپانی‌ها در عین حال که به دنبال رشد و پیشرفت خود هستند و حتی بعضاً خود را رقیب یکدیگر می‌دانند اما به همدیگر کمک می‌کنند تا آثار بهتری بسازند، زیرا معتقدند رشد یک صنعت در رشد و پیشرفت اجزای آن مؤثر است و اگر می‌خواهیم سینما رشد کند، باید اجزای آن رشد کند. اشتباه اول این است که آمریکا یک کشور می‌دانیم، در حالی که آمریکا یک قاره است و مختصات خودش را دارد، ما در ایران نیز ویژگی‌های خود را داریم و کشور ایران از لحاظ استعداد و توانمندی‌ها امتیازات بسیاری دارد. من با وجود آنکه امکان مهاجرت دارم اما ایران را بسیار دوست دارم و هرگز علاقه ندارم مهاجرت کنم. در طول سال‌های بیشترین تعداد استعدادهای معرفی می‌شود از سینمای آمریکا است، بنابراین در این نوع نظام هر فیلمی قرار نیست ۲۰۰ میلیون دلار بفروشد. وقتی سینمایی بدنه فروش خود را داشته باشد، سینمای تجربی نیز می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

رویداد

حجت‌الاسلام خسرو پناه:

اساسنامه جایزه زنده‌یاد کاظمی آشتیانی به تصویر سید



اساسنامه جایزه زنده‌یاد مرحوم کاظمی آشتیانی در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و ۱۶ ربيع‌الاول نیز به عنوان روز وقف در نظر گرفته شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: به خانواده‌ها این اطمینان را می‌دهم که مصوبات شورا با هماهنگی مجلس شورای اسلامی اجرایی می‌شود. با رئیس مجلس گفت‌وگو‌هایی صورت گرفته و در جلسات مشترک به جمع‌بندی نهایی خواهیم رسید تا اختلافاتی که در فضای مجازی مطرح است، کاملاً برطرف شود. حجت‌الاسلام والمسلمین خسروپناه افزود: در این جلسه اساسنامه جایزه زنده‌یاد مرحوم کاظمی آشتیانی نیز به تصویب رسید و همچنین ۱۶ ربيع‌الاول به عنوان روز وقف در نظر گرفته شد. در زمینه تبدیل وضعیت و ارتقای رتبه اعضای هیئت علمی دو تابعیتی به نتیجه نرسیدیم و مقرر شد در جلسه دیگر با حضور وزرای دیگر که عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی نیستند، بررسی شود.

وی ادامه داد: امسال مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی اجرا شد و برخی نمایندگان نظراتی داشتند که در شورای مشترک شورا و نمایندگان مجلس این اختلافات حل و نتیجه نهایی به مردم اعلام می‌شود. آموزش زبان فارسی به دانشجویان بین‌المللی موضوع دیگری بود که در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بحث قرار گرفته شد، شورای معین قبلاً در این زمینه مصوبه‌ای داشت که برخی از اعضا ایراداتی داشتند، این ایرادات در جلسه شورا مورد بحث قرار گرفت.

نمایش

نمایش میدانی «تنهاتر از مسیح» با سر و شکلی متفاوت



کارگردان و نویسنده نمایش میدانی «تنهاتر از مسیح» راه‌سرخ» درباره فصل چهارم این نمایش میدانی که در بوستان ولایت تهران روی صحنه است، گفت: این فصل از نمایش میدانی «تنهاتر از مسیح» که فصل چهارم آن است، پسوند «راه‌سرخ» دارد. اتفاقات از غدیر آغاز می‌شود، به شهادت حضرت زهرا(س)، شهادت امیرالمؤمنین (ع) و شهادت امام حسن (ع) می‌رسد و بخش انتهایی درباره واقعه کربلاست که در واقع نمایش می‌گوید امام حسین (ع) در میان قوم خود حتی تنهاتر از مسیح بوده است.

حسن یزرا با اشاره به تفاوت‌های نمایش تنهاتر از مسیح نسبت به اجراهای قبلی عنوان کرد: نمایش در سری جدید اتفاقات ویژه و خاصی نسبت به سال‌های گذشته دارد. به نظر من این نسخه کامل‌تر شده و این فصل به یک پختگی نسبی رسیده است. امیدوارم این راه‌چه با بنده حقیر، چه بدون من سال‌های سال ادامه داشته باشد و این خیمه برپا باشد و در آن اتفاقات خوبی رخ دهد. او ادامه داد: سعی کرده‌ایم در این فصل نسبت به سال گذشته در تمام اجزای تفاوت‌ها را بشویم. اتفاقات صحنه‌ای بسیار کامل‌تر و حرفه‌ای‌تر از سال‌های گذشته است. این‌ها عوض شده و در کل محتوا بسیار تغییر کرده و بر این اساس اجزای مختلف همچون نور، صحنه، جلوه‌های ویژه، صدا، گریم، لباس و بازیگرها نیز تغییر کرده‌اند تا این نمایش به بهترین شکل روی صحنه برود. امیدوارم مردم آن را ببینند و دوست داشته باشند. کارگردان نمایش میدانی «تنهاتر از مسیح» درباره مدت‌زمان اجرای این نمایش میدانی گفت: قرار است این نمایش تا دوم مهرماه ادامه پیدا کند. مردم می‌توانند در سامانه نماتیک ثبت‌نام کنند. این در گاهی است که در آن کدملی را وارد می‌کنند و به تعدادی که مشخص شده است، ثبت‌نام را انجام می‌دهند. نمایش در دو سانس اجرا انجام می‌شود که سانس نخست ساعت ۷ و سانس دوم ساعت ۹ شب است. سالن انتظار و پذیرایی هم برای رفاه حال مردم در نظر گرفته شده است و نماز جماعت هم برگزار می‌شود.

گیشه

مصطفی شاه‌کرمی

این روزها درباره اینکه یک فیلم کم‌دی در حال تصاحب رکورد فیلم کانگای مانگا در سینمای ایران به لحاظ تعداد تماشاگر است، زیاد می‌شنویم، اما مقایسه شرایط اکران این دو فیلم می‌تواند در نوع خود جالب و البته راهگشا باشد.



این روزها عنوان می‌شود که فیلم کم‌دی فسیل از حیث تعداد مخاطب کمتر از ۵۰۰ هزار نفر تا رسیدن به جایگاه دوم پر مخاطب‌ترین فیلم پس از انقلاب اسلامی فاصله دارد اما بد نیست ببینیم این دو فیلم با چه تفاوت‌هایی در اکران، گیشه‌ها را تصاحب کرده‌اند.

داده‌های منتشرشده از سوی سامانه سمفا نشان می‌دهد از زمان آغاز اکران فیلم فسیل (تا پایان روز ۲۶مرداد ماه سال جاری) در بازه زمانی ۱۵۴ روز این فیلم با رسیدن به ۵ میلیون و ۴۹۰ هزار و ۷۲۶ مخاطب در یک قدمی تصاحب جایگاه دوم پر مخاطب‌ترین فیلم پس از پیروزی انقلاب اسلامی است.

آنکون‌آنطور که اعداد نشان می‌دهد دو فیلم دفاع مقدسی با نام‌های عقاب‌ها و کانگای مانگا به ترتیب با ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار مخاطب و ۵ میلیون و ۹۷۴ هزار نفر جایگاه اول و دوم را در اختیار

سینما

افشین علیار

بی‌مادر اولین ساخته سیدمر تفضی فاطمی بیشتر از اینکه فیلم سینمایی باشد و قابلیت نمایش روی پرده داشته باشد، تله‌فیلمی است درباره رحم اجاره‌ای، سینمای ایران علاقه‌ای افراطی به این موضوع دارد و فیلم‌های زیادی درباره آن ساخته است.



روایت داستانی در این فیلم به بدترین شکل با تأکیدهای تکراری شکل گرفته و این به دلیل نقص‌های شدید فیلمنامه است که توان کافی برای پیشروی ایده را ندارد، بنابراین درامی شکل نمی‌گیرد، موضوعی که طرح می‌کند پیش‌رونده نیست و فارغ از بسترسازی مناسب است. فیلمساز در اولین ساخته‌اش دنباله ایده‌ای تکراری رفته است.

معمولاً فیلمسازان اولی بر ایند نسبتاً استاندارد در متن و اجرا دارم اما بی‌مادر در جایی‌زند و نمی‌تواند از ایده‌اش به یک اثر سینمایی برسد.

هیچ منطقی در شکل‌گیری موضوع نیست و انگار فیلمساز مسئله‌ای برای روایت ندارد، بی‌مادر بازیگران خوبی دارد اما کارگردان نتوانسته از این بازیگران استفاده کند.

حضور امیرآقایی با میترا حجار و پردیس پورعبادین هیچ امتیازی برای فیلم محسوب نمی‌شود، چون علت و معلولی در کار نیست و حتی انگیزه‌های مناسبی در علاقه تدریجی امیرعلی و مهرز نمی‌بینیم و اساساً چرا باید چنین علاقه‌ای شکل بگیرد؟

از این مناسبات خام‌دستانه می‌شود به اینجا رسید که فیلمساز دست‌ش برای جلوگیری از فیلمش خالی بوده و هیچ پردازش استسجام‌فتم‌ای برای ادامه دادن به قصه‌اش نداشته و نتوانسته است احساس درست را در برپاورد، حتی نسبت مادری مهرز به پسرش در سطح مانده و مهرز بیشتر از اینکه پسرش در گریه با سرطان باشد، انگار خودش بیمار است. اکت‌های او به شدت تصنعی و ایستاست.

حسن مادری شکل نگرفته و رابطه زن و شوهری امیرعلی و مرجان تبدیل به رابطه متقاعدکننده‌ای نمی‌شود و البته گنگ و نامعلوم است که چرا این زن و شوهر اقدام به بچه‌دار شدن نمی‌کنند!

فیلمساز می‌توانست یک پنهان‌کاری در امیرعلی یا مرجان ایجاد کند، یعنی یک بیماری خاص که موجب ناباروری می‌شود اما سعی داشته در مسیر تکرار حرکت کند، به همین دلیل توقی نمی‌شود از کارکرد فیلمنامه و شخصیت‌پردازی داشت.

فیلمساز سرگرم باراد کس‌سازی موقعیت شهری و انسانی و



تفاوت‌های تصاحب‌گیشه از «کانگای مانگا» تا «فسیل»

دارند و پس از آنها فسیل با ۵ میلیون و ۴۹۰ هزار و ۷۲۸ جایگاه سوم را به نام خود ثبت کرده است! بررسی ظاهری عملکرد این فیلم بیانگر این نکته است که فسیل از آغاز دوره اکران تا روز ۲۶مرداد ماه سال جاری با ۵ میلیون و ۴۹۰ هزار و ۷۲۸ مخاطب مجموعاً ۲۳۷ میلیون و ۷۲۶ میلیون و ۶۶۹ هزار و ۲۹۰ تومان فروش داشته است. این اعداد و ارقام باعث شده است مقایسه‌ای اشتباه و غیردقیق بین فیلم فسیل با آثاری مانند «عقاب‌ها» و کانگای مانگا صورت بگیرد.

تفاوت تعداد سالن‌ها و جمعیت

برای دقیق‌تر نشان دادن چنین مقایسه‌هایی نکات متعددی قابل توجه است. اولین و مهم‌ترین شاخصه در این زمینه تعداد سالن‌های سینما و جمعیت کشور است. روشن است که در دوران اکران آثاری مثل عقاب‌ها و کانگای مانگا کشور درگیر جنگ تحمیلی بوده و تعداد قابل‌اعتنایی از جمعیت فعال کشور درگیر دفاع از کشور بودند. نکته قابل توجه و تأثیرگذار اما مغفول‌مانده در این زمینه بحث کیفیت سینماها و سطح در آمدی افراد جامعه است. به واقع اگر قرار است به سمت احصا و کسب آمار علمی و دقیق یک موضوع برویم، باید همه وجوه دخیل در شکل‌گیری آن را مورد توجه قرار دهیم.

بوده که مجموعاً ۱۶۳ هزار و ۹۵۱ صندلی را به خود اختصاص داده است. نکته دیگر بحث تناسب جمعیتی کشور است و همچنین شرایط و اوضاع جنگی آن دوران که اکران این دو فیلم همزمان با اوج‌گیری جنگ شهرها توسط رژیم بعثی و بالا رفتن تعداد دفعات حملات موشکی و هوایی به کشورمان انجام گرفته است. وقتی این موضوعات در کنار هم قرار می‌گیرد نشان می‌دهد مقایسه آماری فروش با تعداد مخاطب یک فیلم بدون در نظر گرفتن چنین مؤلفه‌های تأثیرگذاری صرفاً بازی با اعداد و امار است.

جمعیت ایران در دهه ۶۰ تقریباً نصف جمعیت حال حاضر بوده است. بخش قابل توجهی از جمعیت آن دوران هنوز در روستاها بودند و شهرنشین نشده بودند. بسیاری از سینماها به دلیل انقلاب از چرخه اکران کنار گذاشته شده بودند و هنوز برای بخش قابل توجهی از خانواده‌های ایرانی سینما رفتن یک تابو محسوب می‌شده یا دست‌کم سینما رفتن به یک رسم خانوادگی تبدیل نشده بود. واقعیت این است که فیلم فسیل در یک شرایط کاملاً غیرقابل مقایسه با دوران دهه ۶۰ به آمار فروش ۵ میلیون مخاطب دست پیدا کرده است؛ دورانی که شاهد اکران فیلم‌ها می‌بردیم سینمای هشتیم که بعضاً ۱۰ سالن را در خود جای می‌دهند و برای حضور خانواده کاملاً مجهز و مهیا هستند.

«بی‌مادر» متوقف در کلیشه‌های رایج



close ups

نمای نزدیک

امیرعلی روانشناس است اما هیچ کار کردی در کلیت فیلم ندارد و حتی نمی‌تواند کمکی به شخصیت‌سازی او کند. از دکتر بودن او و مرجان فقط لاکچری بودن نوع زندگی‌شان را می‌بینیم که آن هم کارکرد غلوشده‌ای دارد، حتی دکتر بودن مرجان هم تکراری است؛ دکتر زانی که خودش بچه‌ای ندارد

مرزبندی در زیست و جایگاه آدم‌ها و نگاه‌شان به موقعیت‌های زندگی بوده است، البته این می‌توانست به مسئله فیلم تبدیل شود که نمی‌شود و فیلمساز در مسیر هموار قدم برمی‌دارد و نمی‌خواهد وارد گره‌افکنی همچنان برانگیزی شود و بیشتر دوست دارد سوءتفاهم زن و شوهری بسازد که شاید خیانتی هم در پس آن باشد اما جواب نمی‌دهد.

امیرعلی روانشناس است اما هیچ کار کردی در کلیت فیلم ندارد و حتی نمی‌تواند کمکی به شخصیت‌سازی او کند. از دکتر بودن او و مرجان فقط لاکچری بودن نوع زندگی‌شان را می‌بینیم که آن هم کارکرد غلوشده‌ای دارد، حتی دکتر بودن مرجان هم تکراری است؛ دکتر زانی که خودش بچه‌ای ندارد. به نظر می‌رسد فیلمساز برای فاطمی بیشتر از اینکه یک هنر



«میزاکی» جشنواره سن سباستین را افتتاح می‌کند

جدیدترین تیمی‌شن ساخته «هایتامیازاکی» انیماتور برجسته ژاپنی، هفتاد و یکمین جشنواره فیلم سن سباستین در کشور اسپانیا را افتتاح خواهد کرد.

انیمیشن «پسر و مرغ ماهیخوار» دو هفته پس از اینکه در مراسم افتتاحیه جشنواره تورنتو به نمایش گذاشته می‌شود، در جشنواره فیلم سن سباستین مهم‌ترین جشنواره کشور اسپانیا نیز به عنوان فیلم افتتاحیه و در بخش غیرقابلی به نمایش گذاشته می‌شود. «میزاکی» نویسنده‌ی و کارگردانی این انیمیشن را بر عهده داشته است و «پسر و مرغ ماهیخوار» نخستین فیلم بلند این فیلمساز تاکنون چندین بار اعلام بازنشدگی کرده و در طول بیش از ۵۰ سال فعالیت هنری خود به موفقیت‌های فراوانی در حد «تیک پارک»، از مشهورترین و تأثیرگذارترین انیماتورهای تاریخ سینما محسوب می‌شود.

«میزاکی» در سال ۱۹۹۷، پس از ساخت فیلم «شاهزاده مونونوکه» که در آن دوره از موفق‌ترین انیمیشن‌ها بود، عقب‌نشینی خود را از مقام کارگردانی اعلام کرد تا جایی برای استعدادهای جوان‌تر باز کند، اما در سال ۲۰۰۱ دوباره به عرصه کارگردانی بازگشت و فیلم «شهر اشباح» را ساخت که رکورد فروش‌ترین انیمیشن در سطح جهانی را به خود اختصاص داد و جوایز خرس طلایی برلین در سال ۲۰۰۲ و اسکار ۲۰۰۳ را از آن خود کرد.

او در سال ۲۰۱۳ با انیمیشن جنجالی «باد می‌وزد» به سینماها بازگشت که این فیلم اعتراضات زیادی را برایش به دنبال داشت تا جایی که به او اتهام حمایت از سازنده هواپیماهای جنگی که باعث جنگ افروزی می‌شوند وارد کردند، اما در نهایت این فیلم موفق شد به جمع نامزدهای نوبل جوایز اسکار راه یابد و در جوایز گلدن گلوب نیز موفق به کسب جایزه بهترین فیلم خارجی سال شد.



امیرعلی دانایی به مناسبت پنجمین سالگرد درگذشت خالق «کیف، انگلیسی»:

مرحوم‌دردی هم در سینما هم در اخلاق استاد بود

سیدضیاءالدین دری از هنرمندانی بود که سال‌های سال با عشق برای اعتدالی فرهنگ و هنر این مرز و بوم تلاش کرد و عاقبت دست‌اجل مهلت بیشتری به وی نداد تا در مرداد سال ۹۷ به دیار باقی شتافت.

امیرعلی دانایی، بازیگر سینما و تلویزیون که در سریال کلاه پهلوی نقش اصلی را داشت، در پنجمین سالگرد درگذشت مرحوم سیدضیاءالدین دری به بیان ویژگی‌های شخصیتی وی پرداخته است.

من برای ایشان حدود ۵ هزار پلان بازی کردم، علاوه بر ساخت اثر همواره در کنار ایشان بودم و با ایشان صحبت می‌کردم و باهم مرادده داشتیم اما حتی یک بار به خاطر نمی‌آورم که ایشان صدای‌شان را بلند کرده باشند، به شخصی توهین کرده یا دل کسی را شکسته باشند.

زنده‌یاد دری انسانی بسیار شریف و دوست‌داشتنی بود و الفبای هنر بازیگری را به من یاد داد و به همین دلیل برای من نه تنها یک فیلمساز که یک استاد و یک پدر سینمایی محسوب می‌شد.

ایشان تمام فنون سینما را به من آموخت و به من اعتمادبه‌نفس داد. همه اینها باعث شد من در اثر ایشان توأم با آرامش کار کنم.

زنده‌یاد دری با دقت و وسواس بسیار زیادی کارش را انجام می‌داد و هنرمندی صاحب سبک و مؤلف بود که قطعاً آثارش تا دهه‌ها بعد همچنان می‌تواند در آسمان هنر شکستور بدرخشد و من بسیار متأسفم که ایشان طی سال‌های آخر حیات‌شان برخلاف میل باطنی‌شان نتوانستند اثری تولید کنند.

بازتاب

تایید